



### ستارگان هالیوود

### اولین قربانیان

### این کمپانی

کمدی سیاه و تلخ ضد هالیوودی «شهر تینسل» به موضوع پیری بازیگران و ستارگان سینمای آمریکا و بی‌توجهی مدیران کمپانی‌های بزرگ فیلمسازی به هنرمندانی می‌پردازد که سن آنها بالا رفته و دیگر نمی‌توانند جوان اول یا قهرمان اکشن تولیدات سینمایی باشند. کيفر ساترلند که با بازی در سریال اکشن پلیسی «۲۴» تبدیل به قهرمان اکشن قاب کوچک در دو دهه قبل شد، در شهر تینسل در نقش کاراکتری بازی می‌کند که شباهت بسیار زیادی به خود او دارد. ساترلند در داستان فیلم برادلی مک یک قهرمان اکشن سابق هالیوودی است که با گذشت زمان پیر شده و دیگر توانایی حضور در اکشن‌های مهیج ماجراجویانه را ندارد و به همین دلیل، تهیه‌کنندگان هالیوود دیگر سراغی از او نمی‌گیرند. مک که زمانی ستاره اصلی فرانچایزهای بلاک باستری بوده، حالا روزها را در خانه‌اش به بطالت می‌گذراند.

او ناخشنود از بی‌مهری هالیوود و در حالی که خاطرات مربوط به روزهای خوش گذشته را با خود دارد، راهی انگلستان می‌شود و امیدوار است بتواند در این کشور دوباره اعتبار گذشته‌اش را احیا کند. اما این بار مقصد او منطقه وست‌اند لندن است که هنرمندان تئاتر در آن گرد آمده‌اند و می‌خواهد با حضور در نمایش‌های متفاوت و غیرمتعارف، به عنوان یک بازیگر جدی در نظر گرفته شود. بازیاب مک اما او را به یک شهر کوچک سرد برفی می‌فرستد تا تجربه‌ای تئاتری را در آنجا تجربه کند. بازی در یک نمایش صحنه‌ای و برخورد با هنرمندانی که اهل کتاب و مطالعه هستند، تأثیرات خودش را بر مک گذاشته و او را به سمت نگارش کتاب خاطراتش سوق می‌دهد. حالا او قصد دارد کتابی افشاگرانه درباره پشت پرده هالیوود و سیاست‌های تبعیض‌نژادی آن بنویسد.

کار فیلمبرداری شهر تینسل در منطقه‌ای در شمال انگلستان شروع شده و کریس فوگین فیلمساز انگلیسی آن را براساس داستان فیلمنامه تلخ و انتقادی فریزر فلیتمن کارگردانی می‌کند. به گفته فوگین: «بسیاری هالیوود را از دور و از طریق فیلم‌هایی می‌شناسند که این کارخانه رویاپردازی تولید و اکران می‌کند. اما واقعیت‌ها چیز دیگری است و هنرمندان متعهد وظیفه دارند چهره واقعی این مکان را به عموم مردم نشان دهند. اتفاقا ستارگانی که برای هالیوود کسب اعتبار و شهرت و پول می‌کنند، جزو اولین قربانیان این مرکز هستند. هالیوود برای ادامه حیات خود به ستارگان جوان و خوش سیمیا احتیاج دارد و زمانی که موعد بهره‌برداری از آنها به سرآمد، به راحتی آنها را رها کرده و به حال خود و می‌گذارد. شهر تینسل قصد دارد این موضوع را به شکلی واقع‌گرا و منطقی به نمایش بگذارد.»

کیفر ساترلند که بیش از ۳۰ سال در صنعت سینما و تلویزیون کار کرده، در رابطه با نقش تازه‌اش می‌گوید: «شاید اگر ۲۰ سال پیش چنین فیلمنامه‌ای به من پیشنهاد می‌شد، بازی در آن را قبول نمی‌کردم. اما این روزها همان حال و هوای کاراکتر شهر تینسل را دارم و احساس می‌کنم وظیفه دارم که این نقش را بازی کنم. داستان فیلم و کاراکتر اصلی آن درباره چیزهایی صحبت می‌کنند که عین واقعیت هستند و خیلی‌ها به راحتی از کنار آن می‌گذرند.»

### حضور «موسی کلیم‌الله»

### در نمایشگاه بین‌المللی

## قرآن کریم

در سی‌ودومین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم، غرفه‌ای به‌نام فیلم سینمایی «موسی کلیم‌الله» به‌عنوان یکی از بخش‌های جذاب این رویداد فرهنگی و هنری معرفی شد. این غرفه که ماکت ها و مجسمه‌های مختلفی از فیلم را به نمایش می‌گذارد، توجه بسیاری از بازدیدکنندگان را به خود جلب کرده است. فیلم موسی کلیم‌الله به کارگردانی ابراهیم حاتمی‌کیا، بر اساس

متوجه می‌شود که دخترش خود به ساقی مواد مخدر تبدیل شده است!

همان‌طور که از این خلاصه داستان معلوم است اطیابی روی بحران اجتماعی سوء مصرف مواد مخدر به‌خصوص تبعات این معضل برای خانواده‌ها دست‌گذاشته است و می‌خواهد با آن شوخی کند. اما نتیجه آنچنان که باید و شاید موفقیت‌آمیز نیست؛ به‌عبارت دیگر این اثر که امیربرادران نویسندگی فیلمنامه آن را برعهده دارد در انتخاب موضوع به‌خوبی عمل می‌کند و می‌کوشد تا جای ممکن مصرف مواد جنبه مثبت و تشویقی پیدا نکند. اما درنهایت دایناسور نمی‌تواند یکپارچگی داستانی خود را حفظ کند و به یک سری از کلیپ‌های طنز اینستاگرامی تبدیل می‌شود که برخی از آنها قدرت خنده‌گرفتن را دارند و برخی را فقط نگاه می‌کنیم تا تمام شوند.

### دایناسور، بدون عمق

شخصیت‌پردازی و عمق‌دادن به شخصیت‌های هر اثری یکی از عوامل موفقیت آن اثر است؛ بحثی مهم که بر وجوه مختلف انسانی و حتی فنی فیلم می‌تواند اثرگذار باشد. اما وقتی به سینمای ایران برمی‌گردیم بنا به دلایل مختلف شاهد ضعف در این مبحث هستیم. در زائر کمدی نیز ظاهر ا اعتقاد چندانی به شخصیت‌پردازی وجود ندارد. خلق یک صحنه و بیان تصویری یک لطیفه کافی تلقی شده و به نظر می‌رسد حق مطلب ادا می‌شود.

فیلم دایناسور نیز از این قاعده مستثنی نیست. به‌عنوان مثال، عنوان فیلم قرار است اطلاعاتی درباره شخصیت اصلی آن، که به‌نوعی

قهرمان داستان است، ارائه دهد. اما در طول فیلم، دلیل انتساب لقب «دایناسور» به شخصیت رضا که نامش همین است، به هیچ وجه مشخص نمی‌شود. سکانس افتتاحیه فیلم نیز با نمایش تصاویری از جوانی رضا بر روی موتور

داستان حضرت موسی(ع) از منظر قرآن کریم ساخته شده است. این فیلم که در جشنواره چهل‌وسوم فیلم فجر نیز مورد استقبال قرار گرفت، با موضوعات تمدنی و روایت قرآنی از داستان حضرت موسی(ع)، مخاطبان را به تفکر و تأمل دعوت می‌کند. غرفه مربوط به این فیلم در نمایشگاه قرآن کریم، نه تنها یک نمایش هنری، بلکه یک تلاش برای انتقال پیام‌های دینی و فرهنگی به

دیگر شخصیت‌های فیلم هم دست‌کمی از کاراکتر اصلی فیلم ندارند و چه‌بسا که ضعیف‌تر از آن هم هستند مخصوصا سکانس‌هایی که رهبران مواد مخدر حضور دارند که فیلم عملاتبدیل به کلیپ‌های طنز ۴۰-۳۰ سال پیش می‌شود.

### گرداب تکرار

بازیگری در نظر اول شاید کار ساده‌ای به نظر بیاید اما بر هیچ‌کس پوشیده نیست که کار ساده‌ای نیست و یکی از آفات این هنر تکرار آن است. آفتی که سراغ هر بازیگری در هر سطحی می‌رود و کار هرکسی نیست که از

مخاطبان است. این رویداد نشان می‌دهد که سینمای ایران چگونه می‌تواند با تولید آثار معنادار و الهام‌گرفته از منابع دینی، به توسعه فرهنگی و هنری کمک کند. این غرفه در نمایشگاه قرآن کریم، فرصتی برای علاقه‌مندان به سینمای دینی و فرهنگی ایران است تا با این اثر هنری آشنا شده و از نزدیک ماکت‌ها و دکورهای به کار رفته در فیلم را مشاهده کنند.

جنگ آن فرار کند مخصوصا وقتی نتیجه این تکرار سود سرشار مالی برای بازیگر باشد. پژمان جمشیدی از آن دست بازیگرانی است که همواره حضورش با حاشیه بوده است؛ بازیکن فوتبالی که پس از بازنشستگی وارد دنیای هنر شد و در ابتدای راه تصور می‌شد حضورش در سینما طولانی نباشد اما همه چیز بر خلاف تصویرها پیش‌رفت و جمشیدی تبدیل به پول‌سازترین بازیگر سینما و نامش تضمینی شد برای گیشه.

موضوع اما اینجاست که جمشیدی با بازی در فیلم‌های درام و غیرکمدی نشان داده است که صرفا بازیگری نیست که در تکرار در سینما بماند و نتواند از آن دربیاید. همچنین پیش از این هم در گفت‌وگویی اعلام کرده بود که به‌خاطر مشکلاتی مجبور به بازی در پروژه‌های تکراری شده است که مشخص نیست آن مشکل حل شده است یا خیر، اما چیزی که عیان است گردابی است که این بازیگر در آن افتاده و به نظر می‌آید نه این‌که توان نداشته باشد، بلکه قصدی برای خروج از این تکرار ملال‌انگیز ندارد. به همین ترتیب جمشیدی فیلم دایناسور هم همان جمشیدی دیگر فیلم‌هاست که اینجا فقط به اقتضای معتاد بودن نقش صورتی افسرده دارد و لحنش هم کمی فرق کرده است همین.



ناگفته هم نماند که این موضوع درباره بازیگر مکمل این فیلم که امیر جعفری است هم صدق می‌کند. او که نسبت به پژمان جمشیدی سابقه طولانی‌تری در هنر ایران دارد و از تأثیر شروع کرده است، می‌بینیم که در آثار اخیر خود چیزی برای ارائه ندارد. این موضوع مهمی است که بازیگران باید مد نظر قرار دهند، چون تکرار یک تیپ هرچقدر که جذابیت داشته باشد و پول خلق کند بالاخره زمانی می‌رسد که ملال‌انگیز شود و مخاطب آن را پس بزند.

### فاصله تجارت تا هنر

خلاصه این‌که دایناسور اطیابی تنها نمونه‌ای از مداله ناهمگون سینمای ایران است؛ فیلمی که با وجود ضعف‌های ساختاری، شخصیت‌پردازی سطحی و تکرار الگوهای آشنا، توانسته رکوردهای فروش را جابه‌جا کند. این پدیده نشان‌دهنده شکاف عمیق میان معیارهای تجاری و هنری در سینمای ایران است.

اگرچه نمی‌توان موفقیت گیشه را نادیده گرفت، اما باید به این نکته توجه داشت که تداوم این روند می‌تواند به تضعیف پایه‌های سینمای هنری ایران منجر شود.

سینماگران، به‌ویژه آنهایی که از اقبال عمومی برخوردارند، مسئولیت دارند تا علاوه بر جذب مخاطب، به ارتقای سطح کیفی آثار و ذائقه مخاطبان نیز بپردازند. در غیر این صورت، سینمای ایران در چرخه‌ای از تکرار و سطحی‌نگری گرفتار خواهد ماند و فرصت‌های بزرگ برای پرداختن به مسائل مهم اجتماعی در قالب هنر از دست خواهد رفت.

### سینما، اسیر دستان کمیت

یکی از موضوعاتی که این روزها در دنیای تبلیغات و رسانه‌ها زیاد می‌بینیم رکوردشکنی‌های سینمای ایران است. رکوردشکنی‌هایی که ظاهری زیبا دارند اما خبر از حال نزار سینما می‌دهند. عجیب اما این نکته است که گویی برای برخی این رکورد شکستن‌ها مهم‌تر

از راهی است که سینما در پیش گرفته است. راهی که سینما را از پایه اصلی‌اش که همان سینما به مثابه یک هنر است دور کرده و آن را به ابزاری برای درآمد و سرمایه‌داری تبدیل کرده است. سؤال اصلی اینجاست که این رکوردشکنی‌ها چقدر اهمیت دارند؟ مخصوصا رکوردشکنی‌هایی که به خاطر افزایش سالانه بهای بلیت سینما همچون پوسته‌ای توخالی هستند و گوااهش فیلم «۷۰ سی» بهرام افشاری است که در دنیای ارقام توانست از فیلم «فسیل» پیشی بگیرد درحالی‌که از مخاطب ۲/۵ میلیون از آن فیلم عقب است. باید گفت که سینمای امروز گرفتار مرض اعداد و کمیت شده است و هرچه این کمیت متورم شود کسانی که دور سفره سینما نشسته‌اند خوشحال‌تر هستند. فارغ از این‌که نه‌فقط سینما که هیچ هنری ارزشمندتر از آن هستند که در دستان کوتاه و کوچک کمیت و اعداد اسیر شوند.

### «جشنواره ملی فیلم فضای باز»

### تمدید شد

باتوجه به استقبال صورت‌گرفته و درخواست‌های مکرر فیلمسازان، مهلت ارسال آثار به نخستین جشنواره ملی فیلم فضای باز تا تاریخ ۱۵ فروردین ۱۴۰۴ تمدید شد. به نقل از روابط عمومی رویداد،

نخستین جشنواره ملی فیلم فضای باز از تمامی فیلمسازان و هنرمندان دعوت می‌کند تا ۱۵ فروردین ۱۴۰۴ آثار خود را به دبیرخانه نخستین جشنواره ملی فیلم فضای باز (این ایر) ارسال کنند. پس از این تاریخ، مهلت ارسال آثار تمدید نخواهد شد. این جشنواره که در اردیبهشت ۱۴۰۴ برگزار می‌شود، شامل بخش‌های رقابتی، غیررقابتی و جنبی است. در بخش رقابتی، فیلم‌های کوتاه در قالب‌های داستانی، مستند، انیمیشن و تجربی به همراه فیلمنامه‌های کوتاه مورد داوری قرار می‌گیرند. بخش غیررقابتی جشنواره نیز به نمایش آثار بلند سینمایی اختصاص دارد که شامل فیلم‌های اول و دوم کارگردانان است و بانظر کمیته جشنواره انتخاب و اکران خواهند شد.



### کردستان، میزبان جشنواره

### «ایران» می‌شود

نخستین جشنواره فیلمنامه‌نویسی با عنوان «ایران» به دبیری آکو زندکرمی در استان کردستان برگزار خواهد شد. این جشنواره با رویکرد آکادمیک و آموزشی، متفاوت از رویدادهای مرسوم سینمایی، فاقد جایزه است و هدف آن تحلیل و ارزیابی آثار در فضایی حرفه‌ای است. برای منتخبین هر بخش، کارگاه‌های تخصصی فیلمنامه‌نویسی توسط اساتید برجسته برگزار می‌شود و در پایان، از تمامی شرکت‌کنندگان تجلیل شده و گواهی حضور صادر خواهد شد. بخش‌های جشنواره شامل فیلمنامه کوتاه داستانی، انیمیشن و اقتباسی با موضوع فرهنگ و افسانه‌های محلی ایران و همچنین بخش آزاد است. شرایط شرکت در جشنواره برای عموم آزاد است و هر فرد می‌تواند حداکثر دو فیلمنامه در دو بخش ارسال کند. فیلمنامه‌ها باید دارای مشخصات کامل، شامل نام و نام‌خانوادگی، شماره ثبت در خانه سینما و رعایت اصول حروف‌نگاری با فونت B Nazanin، سایز ۱۴ و فاصله خطوط ۱/۵ در حداکثر ۲۰ صفحه باشند.



### مهیا شدن «سالن چهار»

### برای اکران

روح‌الله حجازی، تهیه‌کننده فیلم «سالن چهار»، از اعمال تغییراتی در این فیلم برای اکران عمومی خبر داد. این فیلم به کارگردانی حسین ترک‌جوش، اولین اثر سینمایی اوست که در بخش ویژه جشنواره فیلم فجر نمایش داده شد. حجازی اعلام کرد که نسخه نمایش‌داده‌شده در جشنواره فرصت کافی برای آماده‌سازی نداشت و نیاز به تغییراتی دارد. وی افزود که جلسات انتخاب پخش‌کننده در حال برگزاری است و نسخه نهایی فیلم در دست تهیه است تا احتمالا در نیمه اول سال آینده اکران شود.

